

● از کاروان حله (دیداری با نثر معاصر فارسی)

● دکتر داریوش صبور

● ۸۴۰ ص - نشر سخن

● چاپ اول - ۷۹۰۰ تومان

۴۱۵

وقتی که درباره زبان و ادب فارسی سخن می‌رود، بسا نظرها به سوی شعر فارسی توجه می‌کند. پژوهندگان هم در سالهای اخیر اغلب به پژوهش شعر گرایش داشته‌اند، کتابهایی که درباره شعر فارسی چه قدیم و چه نو نوشته شده است قابل اعتناست، در حالی که درباره نثر این اعتنا و عنایت انجام نشده است. در صورتی که ما به نثر و پردازش آن به عنوان یک ابزار مدنی بیشتر نیاز داریم، چرا که تقویت نثر یعنی تقویت زبان، زبانی که باید با آن هم مفاهیم علوم انسانی را بیان کنیم و هم مفاهیم علوم محض را. اگر علم در کشور ما ضعیف است، یک علتش این است که زبان ما ضعیف است. ما هنوز زبان علم را در فارسی به وجود نیاورده‌ایم.

هم‌چنان که شعر تفنن است، پرداختن به شعر نیز خالی از تفنن نیست و حال آن که پرداختن به نثر، تاریخ آن، ویژگیهای آن، نقاط قوت و ضعف آن، از ضروریات است و کسانی که به این امر می‌پردازند بیشتر مأجورند تا کسانی که به شعر می‌پردازند. یکی از این کسان و شاید ظاهراً تنها کسی که در سالهای اخیر به این مهم پرداخته دکتر داریوش صبور است که همت کرده و کتابی در خور در این باره پرداخته است.

نویسنده پیشینه نثر را از قدیم زمانها مطرح می‌کند و تا آخر دوره قاجار به اختصار می‌آید: پیشینه نثر در ایران به بیش از سه هزار سال می‌رسد، آنگاه که نخستین آثار به

زبان اوستایی پدید آمد، نویسنده به نقل از ابن‌الدیم نثر مکتوب را به قبل از پادشاهی گشتاسب به عقب می‌برد و در حاشیه می‌افزاید که روشن نیست که مأخذ داوری ابن‌الدیم با فاصله زمانی دور از تاریخ باستان ایران تا چه اندازه می‌تواند معتبر باشد. اگر روایات اسلامی درست باشد اوستا را روی پوست دوازده هزار گاو نوشته بوده‌اند که اسکندر آن را سوزانید. سنگ‌نبشته‌های هخامنشی به زبان فارسی و متون دوره اشکانی و ساسانی همه جای جای از نمونه‌های نثر کهن ایرانی شمرده می‌شود. در دوران اسلامی از نیمه قرن چهارم هجری قمری نخستین نمونه‌های نثر فارسی را در آثاری چون مقدمه شاهنامه ابومنصوری و ترجمه تاریخ طبری و تفسیر و جز آنها می‌بینیم. زبان فارسی دری در این هنگام دوران نوپایی و سادگی را سپری می‌کرد و نویسنده اظهار نظر می‌کند که نثر در این دوره بی‌کم و کاست تصویری از زبان گفتار بود که در آن لفظ و معنی برابری داشت و امروز در سبک‌شناسی آن را با نام نثر ساده یا مرسل می‌شناسند. نویسنده سپس گریز می‌زند به نثر دوره غزنوی و سلجوقی و روزافزون شدن پیرایه از نیمه‌های قرن ششم به بعد و ادامه آن به نام نثر فنی و نثر در دوره صفویان که اغلب گرایش به سادگی داشته است و دوره قاجار که پیشاهنگ دوره معاصر است. در این دوره، نثر فارسی با بیداری مردم هم سرنوشت است، هرچه بیداری افزون می‌شود نثر نیز با آن همگام می‌گردد. نویسنده این رویدادها را عامل بیداری مردم می‌داند:

□ بازگشت دانشجویانی که به پایمردی عباس میرزا ولیعهد برای تحصیل به اروپا فرستاده شده بودند و یک تن از آنان (میرزا صالح شیرازی) با آوردن دستگاه چاپ، نخستین چاپخانه را در تبریز تأسیس و راه چاپ اخبار را هموار کرد.

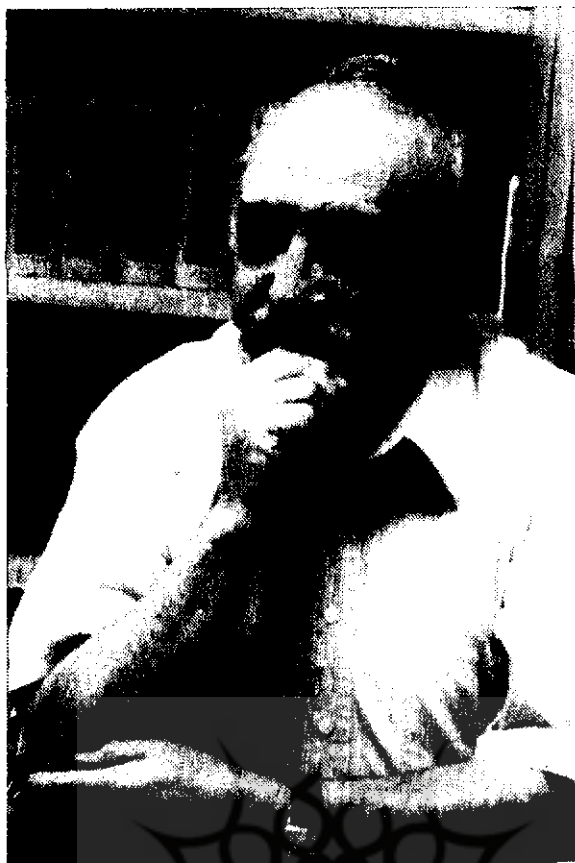
□ پی آمدهای شکست ایران در جنگ با روسیه و وامداری و ورشکستگی دولت.

□ فشار استبداد نفس‌گیر به مردم، برای پیشگیری از فروپاشی حکومت فرمانروایان خودکامه.

□ ورود کتاب و روزنامه‌های خارجی به ایران و ترجمه آنها، که آشنایی مردم را با خبرهای دنیای آزاد و رویدادهای کشورهای که مردم آنها در راه به دست آوردن آزادی، انقلاب کرده و جان باخته بودند، در پی داشت.

□ تأسیس دارالفنون به پایمردی امیرکبیر و حضور مدرسان خارجی که به یاری مترجمان ایرانی در آن تدریس می‌کردند و در روشن شدن جوانان کشور مؤثر بودند.

□ آثار نویسندگان ایرانی خارج از کشور چون آخوندزاده، آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، عبدالرحیم تبریزی (طالبوف)، زین‌العابدین مراغه‌ای، شیخ احمد روحی.



● دکتر حسن نوری (عکس از شهاب دهباشی)

نویسنده از آن پس دگرگونیها را به چهار دوره تقسیم می‌کند، دوره بیداری (۱۲۵۰ - ۱۳۲۴ هـ. ق.) دوره آزادی (۱۳۲۴ - ۱۳۳۰ هـ. ق.) دوره تجدد (۱۳۳۰ - ۱۳۳۹ هـ. ق.) و دوره کنونی.

بررسی نثر معاصر در شش ساحت نثر روزنامه، نثر ترجمه، نثر طنز، نثر رمان، نثر نمایش (نمایش‌نامه نویسی)، و سرانجام نثر پژوهشی (نثر دانشگاهی) کتاب را به پیش می‌برد. نویسنده در هر بخش افرادی را به عنوان نمایندگان و سرآمدان نثر معرفی و نمونه‌ای از آثارشان را نقل می‌کند و در بررسی نثر جابه جا هوشیارانه از کسانی نیز در تأیید کلام خود سند می‌آورد. در نثر روزنامه وقایع اتفاقیه، روزنامه حکیم‌الممالک، روزنامه نظامی علمیه و ادبیه، نسیم شمال، صوراسرافیل، روزنامه تجدد، مجله دانشکده، مجله آزادیستان و نمونه‌هایی از نثر روزنامه‌نگاران به نام عبدالرحمان فرامرزی، محمد مسعود و صدرالدین الهی مطرح می‌شود. در بخش ترجمه از مترجمان بسیاری نام می‌برد و از مشیرالدوله، اعتصام‌الملک، محمد قاضی، محمود اعتمادزاده (م. ا. به آذین) و ابراهیم یونسی نمونه می‌آورد. بخش طنز را با نقل گفتاری از دکتر سفیعی کدکنی آغاز می‌کند که گفته است «طنز تجاوز هنری به تابوهاست و توفیق هر اثر هنری (طنز) بستگی دارد به میزان تجاوزش به تابوهای یک جامعه». و از سابقه طنز در ایران

یاد می‌کند و سرانجام از علی اکبر دهخدا، فریدون توللی، ابوالقاسم حالت، ایرج پزشک‌زاد، و عمران صلاحی به تفصیل یاد می‌کند و نمونه‌هایی از طنز آنان را می‌آورد.

در بخش رمان (که بهتر بود به جای رمان، «داستان» را عنوان قرار می‌داد) پس از سخن از مقولاتی چون تعریف رمان، رمان در اروپا، رمان شبانی، افسانه‌های ایرانی، رمان در ایران، رمانهای تاریخی و آموزشی و اجتماعی، از پانزده تن به تفصیل یاد می‌کند که عبارت‌اند از محمد باقر خسروی، نویسنده رمان شمس و طغرا، محمد علی جمال‌زاده، محمد حجازی، صادق هدایت، بزرگ علوی، حسینقلی مستعان، صادق چوبک، سیمین دانشور، جلال آل‌احمد، سیمین بهبهانی، احمد محمود، تقی مدرسی، غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، محمود دولت‌آبادی و در آنها از موسی کبودرآهنگی نویسنده عشق و سلطنت، میرزا حسن خان بدیع نویسنده رمان داستان باستان (سرگذشت کوروش)، عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی نویسنده رمان دام‌گستران، مشفق کاظمی نویسنده تهران مخوف، عباس خلیلی نویسنده رمانهای روزگار سیاه، انتقام انسان، اسرار شب، یحیی دولت‌آبادی نویسنده رمان شهرناز، زین‌العابدین مؤتمن نویسنده آشیانه عقاب به اجمال می‌گذرد و درباره صادق هدایت می‌نویسد:

۴۱۸

موجودی استثنایی و ناشناختنی... آیا او... مصداق شعر مولانا نبود که با سینه‌ای شرحه شرحه به هر جمعیتی نالید و درد خویش را فریاد کرد ولی هر کسی از ظن خود یار او شد. آیا او به راستی موفق شد در آثارش تصورات و نقش اندیشه‌های خود را به تصویر بکشد، آیا او به راستی او خویشتن خویش را شناخته بود [و از قول غلامعلی سیار]: هدایت درد مرگبار هستی و بوچی دلهره‌آور حیات و ژرفنای نیستی را در رگ و پی خود حس نمود و پوسیدگی مرگ و فنا را در نشئه زندگی از اوان کودکی لمس می‌کرد و به استقبال آن می‌شتافت. او همچون مهره‌ای که روی سطحی لغزان رها شود گرد خود می‌چرخید و در جدال دائمی با خویشتن خویش بود. (ص ۳۶۳) و سرانجام درباره بخش رمان این که خوانندگان آگاه، از اسامی‌ای که نقل کردم توجه کرده‌اند که جای بعضی از داستان‌نویسان در این کتاب خالی است چون جمال میرصادقی، بهرام صادقی و علی محمد افغانی و حقیقت آن است که جامعه ادبی ایران، سیمین بهبهانی را به عنوان شاعر می‌شناسد نه به عنوان رمان‌نویس. اگرچه نثر گیرا و پخته‌ای دارد، بی‌تردید نویسنده نیز توجه داشته است که شهرت سیمین به شاعری، جامعه ادبی را به نثر او بی‌اعتنا گذاشته و در جایی که سخن از نثر شکوفای معاصر است خواسته تا حق وی در

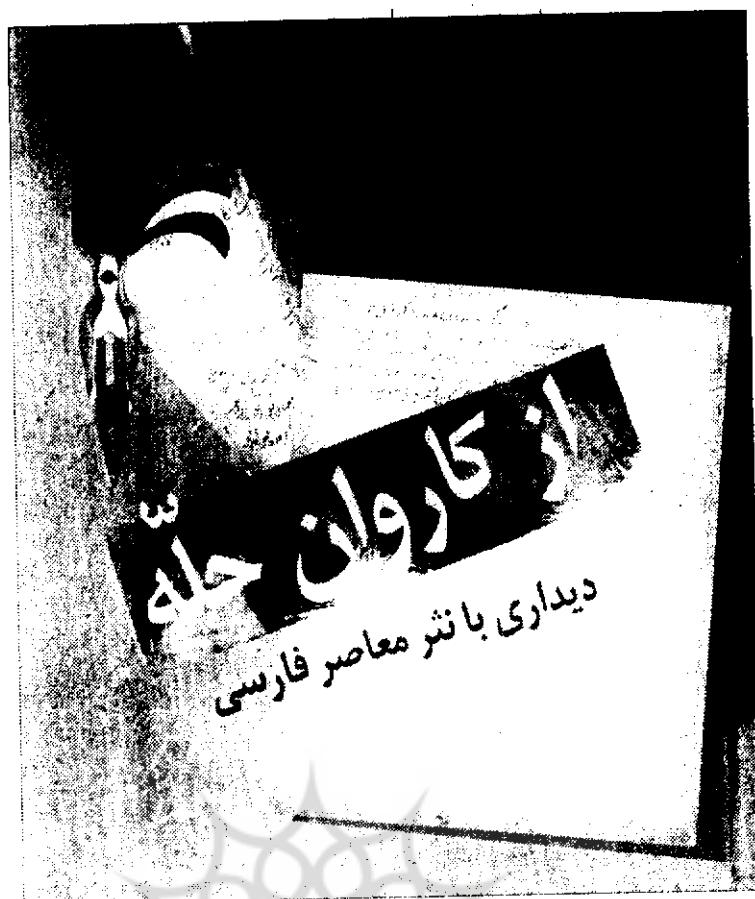


● دکتر داریوش صبور

این رهگذر نیز گذارده شود و برعکس علی محمد افغانی در تاریخ رمان‌نویسی فارسی جایگاهی دارد که نباید به آن بی‌اعتنایی شود.

در بخش نثر نمایش (نمایشنامه‌نویسی) پیشینه نمایش و نمایشنامه‌نویسی، آشنایی با نمایش و نمایشنامه‌های اروپایی، نمایشنامه‌های فارسی، فتح‌علی آخوندزاده، حسن مقدم (علی نوروز)، رضا کمال (شهرزاد) و در بخش نثر پژوهشی (نثر دانشگاهی) که موضوع تازه‌ای است و پویندگان نثر معاصر تاکنون به آن پرداخته‌اند و اگر پرداخته‌اند چون استاد دکتر جلال متینی به ارائه نمونه‌هایی از آن اکتفا کرده‌اند، نخستین بار است که پژوهنده‌ای با گستردگی قابل‌تحسین به این امر بایسته، پرداخته است. کسانی که در این وادی مطرح شده‌اند عبارت‌اند از محمد علی فروغی، محمد تقی بهار (ملک الشعراء)، احمد کسروی، علی دشتی، سعید نفیسی، عباس اقبال آشتیانی، لطف‌علی صورتگر، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجتبی مینوی، پرویز ناتل خانلری، حسین خطیبی، احسان یسار شاطر، عبدالحسین زرین‌کوب، محمد علی اسلامی ندوشن، مظاهر مصفا، محمدرضا شفیعی کدکنی.

نگاه نویسنده درباره برخی فرایازانه و مادحانه است و صفاتی چون نویسنده توانا و نام‌آور (ص ۱۷۳) فرزندگان و مترجمان نام‌آور (ص ۲۱۳) والاترین و مردمی‌ترین افراد



جامعه (ص ۳۴۲)، از متفکران به نام (ص ۴۳۶)، بانویی فرزانه و فرهیخته (ص ۴۴۸)، نویسندهٔ پرآوازه (ص ۴۵۸)، بزرگ‌ترین رمان‌نویس معاصر (ص ۵۰۰)، خانواده‌ای سرشناس و اصیل (ص ۵۴۶)، مردی استوار با اندیشه و هدفی درخشان (ص ۵۶۸)، از تبار دلیران (ص ۵۸۰) و... اگر به کار نمی‌رفت بهتر بود تا خواننده خود از بررسی و اظهار نظر و تعمق به آن صفات راه یابد و یا حتی دربارهٔ برخی به عکس آن صفات. پایان‌بخش کتاب، فصلی است با عنوان برآمد که خلاصه و ماحصل کتاب را در پازده صفحه (از ص ۷۵۹ تا ۷۷۰) برای خوانندگان کم‌حوصله باز می‌گوید و از محسنات کتاب به شمار می‌رود. نیزگفتنی است در کتابی که دربارهٔ نثر و نمونه‌های استوار و فاخر نثر است نثر نویسندهٔ کتاب نیز باید از استواری و انسجام برخوردار باشد و در این کتاب چنین است. کتاب را انتشارات سخن با شکلی آبرومند در ۸۴۰ صفحه چاپ کرده است.